

دربچه

نظام مهندسی و آزمون و خطا

مهدی استرآبادی

● رویدادهای تلخ و حوادث مکرر ناشی از ساخت‌وسازهای غیراصولی و جایگزین‌کردن الگوهای سنتی ساخت‌وساز به شیوه علمی و استانداردهای جهانی، نشان از وجود ادراک روشن و واقع‌بینانه مسئولان ذی‌ربط در ساخت‌وساز کشور دارد. دراین‌باره نهادهای مدنی در سال ۱۳۷۴ با عنوان سازمان نظام مهندسی، برای ایمن‌سازی بناهای جدید، تأسیس و قوانینی بر مبنای منافع ملی و نیز کارفرمایان و منافع صنفی این نهاد تدوین و تصویب شد. یقیناً قوانین تدوین‌شده این نهاد ارزشمند ملی بیان‌کننده نیاز مبرم جامعه و پاسخ‌گویی به انتظارات گسترده مردم در ارتقا و کیفیت‌بخشی به ساخت‌وساز کشور است؛ اما این قوانین، همراه با قوانین و ضوابط از پیش تعریف‌شده شهرداری‌ها در ساخت‌وساز کشور، تا چه اندازه ما را به هدف ارزشمند یادشده نزدیک کرده است؟ فلسفه‌فانان و قانون‌گذاری، نظام‌بخشیدن به روابط انسان‌ها در یک محیط سالم اجتماعی است که از آن با عنوان «جامعه‌مدنی» یاد شده است. بنابر همین تعریف، تحقق بی‌قانونی در فرایند اجرائی برخی از قوانین سازمانی، نقض مفروضی است که از سوی قانون‌گذار انتظار نمی‌رود؛ زیرا نهادها و سازمان‌های رسمی، اساسی‌ترین عناصر یک نظام اجتماعی هستند که قوانین و تصمیم‌گیری‌شان موجودیت آنها را نشان می‌دهد و عملکرد آنها نیز، بر نظام اجتماعی و اخلاق حرفه‌ای آن سازمان تأثیر مستقیم بر جای خواهد گذاشت. بنابراین قانون‌گذار باید ضمن لحاظ‌کردن همه تبعات عرفی، شرعی و فرهنگی قوانین موضوعه اهرم‌های اجرائی قانون را در ساخت‌وسازهای کشور پیش‌بینی و راهکارهای مناسب را در پیشبرد اهداف سازمانی خود محقق کند. در غیراین‌صورت، تنها تدوین قوانین با دستورالعمل‌های سازمانی، بدون داشتن ابزار و اهرم‌های اجرائی و هم‌گامی‌نداشتن آنها با سازمان‌ها یا نهادهای ذی‌ربط که ملازم یکدیگردند، استمرار نوعی بی‌قانونی در عملکرد یک نظام سازمانی است. ازهمین‌رو در سال‌های اخیر قانون‌گذاری در برخی از دستگاه‌های اجرائی کشور دچار تغییراتی شد که در پاره‌ای اوقات به سبب ضعف در اعمال یا اجرائی نشده آن، موجب تضییع آشکار حقوق شهروندان شد که بعضاً غیرشفاف و همراه با آیین‌نامه‌ها، تبصره‌ها یا ابهاماتی است که در اجرا عرصه جان بر مراجعان سازمانی آن تنگ شده و حاصل آثار و تبعات آن ایجاد بدبینی مردم به سازمان‌ها یا نهادهای رسمی است و عوارض دیگر ناشی از آن چالش‌های سازمانی و تغییرات فرهنگی، رفتاری است و نیز زیان‌های اقتصادی را هم در پی خواهد داشت که در نهایت از مجاری نکات اشاره‌شده به نظام حاکم بر جامعه بازخورد خواهد داشت. این نقد، مربوط به تعارض قوانین اجرائی نظام مهندسی و شهرداری‌ها با موضوع مهندسی و کنترل ایمنی در ساخت‌وسازها و تضییع حقوق برخی از کارفرمایان و شهروندان در مقوله تذکره‌شده است؛ زیرا در بخشی از قوانین شهرداری‌ها آمده است که کارفرما مجاز نیست تا پیش از اخذ پروانه ساخت مبادرت به پی‌کنی یا خاک‌برداری یا اقدام به هرگونه عملیاتی مشابه آن کند؛ زیرا این‌گونه اقدامات باید با مجوز شهرداری و با نظارت مهندسان ناظر و مجری انجام گیرد و این به گونه‌ای است که برخی از کارفرمایان ناکاها یا سودجو به‌ویژه در شهرستان‌های کوچک و حاشیه شهرهای بزرگ با بهره‌گیری از حسن اعتماد عوامل نظارتی این نهاد که غالباً با یکدیگر آشنایی دارند، برای تسریع در احداث بنا، با انگیزه‌های مادی خودسرانه به بخشی از این‌گونه عملیات‌های زود هنگام مبادرت می‌ورزند. این گونه تخلفات بسا عواملی مانند ناکاهای مختلف به مسائل ایمنی یا وجود انگیزه‌های پنهانی و مادی یا نارسایی‌های سازمانی و نظارت و پیگیری‌نکردن در فرایند ساخت‌وساز به صورت عرف صورت می‌گیرد. رخداد زلزله اخیر کرمانشاه و تخریب پروژه مسکن مهر که شاهد بازتاب پررنگ و بحث‌برانگیز آن در شبکه‌های اجتماعی بوده‌ایم، مصداق بارز این نظریه است؛ افزون‌براین نحوه قرارداد پنهان و دور از چشم «کارفرمایان یا پیمانکاران خود» به‌ویژه پیمانکاران شرکت‌های تعاونی مسکن که غالباً با سبب نظارت کافی و مستمر نداشتن سازمان‌های ذی‌ربط این‌گونه اقدامات غیرقانونی، به صورت یک پدیده غلط در ساخت‌وساز کشورمان هنوز رایج است؛ مثلاً این نقیضه‌ها برای مردم به رعایت مفاد قانونی قرارداد منعقدہ خود با کارفرما باشند، ولی پس از انعقاد قرارداد با کارفرما و دریافت بخشی از دستمزد خود، براساس تعریف‌های دفتر نمایندگی نظام مهندسی به سبب نبود نظارت مستمر و بیکر این سازمان بر عوامل اجرائی…

ادامه در صفحه ۱۵

● پیشنهاد اولیه که بنیاید و در محیط‌زیست مشغول شوید را چه کسی داد؟

من ایران بودم. آقای دکتر کلاتری را دیدم و این موضوع مطرح شد.

اتفاقی دیدید یا باهامانگی؟

نه. تلفظاً هماهنگ کردیم.

از قبل هم با همدیگر ارتباط داشتید؟

ما چندفعه همدیگر را دیده بودیم، از جمله در کنفرانسی در وزارت نیرو و هردفعه هم می دیدم همین صحبت‌های کلی بوده یا بحث علمی یا من در جایی ارائه داشتم و ایشان در جلسه بوده‌اند. هیچ ارتباط کاری ای نداشتیم. هیچ پروژه‌ای هم با هم انجام ندادیم. خیلی جاها گفته شد که من در دریاچه ارومیه با ستاد احیا کار کردم. اما هیچ موقع من با ستاد کار نکردم. روی دریاچه ارومیه کار کردم، ولی کاملاً مستقل بودم. بعد از اینکه ایشان به سازمان رفت، یک جلسه حضوری با هم داشتیم. به دفترش رفتم. در زمینه موضوعات اجتماعی شروع به صحبت کردند که ما برای این معاونت، یک آدم قوی می‌خواهیم که این‌طور و آن‌طور باشد. فکر کنم جلسه ما یک ساعت بود، در ۵۰ دقیقه اول، هیچ صحبتی از من نبود. بیشتر صحبت‌های کاری بود که ایشان، دردها و نیازهای آنجا را می‌گفت. آخرهای جلسه، این را یک‌دفعه مطرح کردند که اگر شما بیایید عالی است. این را هم خیلی محتاطانه و غیرمستقیم مطرح کرد. بعد هم گفتند یک ماه فکر کنی.

واکنش شما به این پیشنهاد چطور و چه بود؟

اولین چیز، می‌خواستم با دانشگاه محل کارم (امپریال‌کالج لندن) صحبت کنم و بدانم آنها چطور فکر می‌کنند. به‌علاوه اینکه مقداری مطالعه کتم و ببینم وضعیت چطور است. فکر کنم سخت‌ترین تصمیم زندگی من بود. قبل از آن احتمالاً سخت‌ترین تصمیم، تصمیم ازدواج بود. ولی این از تصمیم مهاجرت و تصمیم ازدواج، سخت‌تر بود یا این شغل‌هایی که قبلاً انتخاب کرده بودم، چون تقریباً تمام دوستان خارج از کشورم و همکاران ایرانی خارج از کشورم در کشورهای دیگر، مخالف بودند. پدر و مادرم که قاعدتاً باید از بازگشت من به ایران خوشحال می‌شدن، هم مخالف بودند. اکثر آدم‌هایی که با آنها صحبت می‌کردم گفتند تو دیوانه‌ای که این کار را می‌کنی.

چرا؟ دلیل عمده آنها چه بود؟

مادر و پدرم احساس می‌کردند که در حوزه سیاست و دولت، خیلی چیزها ممکن است متفاوت باشد. می‌گفتند ممکن است ظرفیتی که الان دارم را هم نتوانم استفاده کنم. بقیه بر این باور بودند که اصلاً نمی‌شود کار کرد. برخی می‌گفتند می‌خواهند از سو‌استفاده کند. نباید برگردی. می‌گفتند این اشتباه است. شاید رشوه‌دانی به توسط برای اینکه ساکت شوی، چون الان می‌توانی حرف بزنی و انتقاد کنی. البته یک‌کسری افرادی که ایران بودند، از فعالان، با چند نفر از آنان صحبت کردم. خیلی استقبال کردند، ولی در نزدیکیان من، همسرم که برای او هم این تصمیم سخت بود تنها کسی بود که گفت هر کاری لازم است انجام می‌دهم که تو این کار را بکنی و موفق شوی، چون تو دوست داری. به‌ علاوه اینکه این یک فرصت است برای یک‌بار. شاید یک‌بار برای همیشه باشد که فرصتی مهیا شود برای ارتگذاشتن و برای نسل ما. حمایت او اگر نبود، حتماً این اتفاق نمی‌افتاد.

واکنش همکاران و هم‌دانشگاهی‌های خارجی به این خبر چطور بود؟

آنها دقیقاً برعکس، خیلی از خارجی‌ها خوشحال بودند و این را به‌عنوان یک موفقیتی می‌دیدند، دقیقاً عکس آنچه ما در ایران می‌گوییم. از دید آنها اینکه آدمی که اوایش در مهندسی تحصیل کرده، جوایز بین‌المللی در این زمینه دارد، اسمش را در این زمینه مطرح کرده و همیشه ذغذغاش کم‌کردن می‌شوم. این به علم و سیاست توجه و دین قضیه را برای اکثر علمی، مطرح و معتبر کرده، به حوزه اجرا و مسئولیت برود این را آنها به‌عنوان یک موفقیتی می‌شناسند، چون اینکه یک آدم از جایگاه علمی به جایگاه اجرا برود، می‌تواند جلوی یک‌سری کارهای غیرعلمی را بگیرد یا کارهای علمی را کلید بزند و حتی وقتی به حوزه اکادمیک برمی‌گردد، حرف‌های جدیدی برای گفتن دارد، چون رفته و در اجرا برخی تصمیمات را آزمایش کرده. درکل چنین تجاربمی می‌تواند برای ما که در حوزه علم هستیم به‌عنوان فرصت مطالعاتی به حساب بیاید. دقیقاً عکس این داستان در فضای مجازی ایران اتفاق می‌افتاد که خیلی از استادان، خیلی از منتقدان و… همه گفتند این نخبه‌چیزی است. تعبیر آنها این بود که یک آدم علمی را در حوزه اجرا می‌بزنند و او را از بین می‌برند.

ولی شاید خارجی‌ها نسبت به ساختار دولتی و اجرائی در ایران اطلاع چندانی ندارند؟

نه. فکر نمی‌کنم، چون در همه‌جای دنیا ما بحث ساختارهای دولتی و مشکلات دولتی و بوروکراسی را داریم. ممکن است که یک سیستم اروپایی نسبت به سیستم ما پیشرفته‌تر باشد، ولی او هم در سیستم خودش بوروکراسی دارد. همه‌جا مثل هم است. فرقت این بود که آنها به‌عنوان فرصت و تجربه می‌بینند، ولی اینجا نه.

جنبش تجاری درمجموع در دنیا رایج است؛ اینکه یک آدم علمی و دانشگاهی به یک‌باره مسئولیت دولتی و اجرائی بگیرد؟

بله. در چند سال اخیر بوده که فلان استاد MIT با شیکاگو که هندی است، در هند وزیر می‌شود که در اقتصاد به کشورش کمک کند یا فلانی از فرانسه برمی‌گردد به کشورش که مسئولیت بگیرد. همیشه در همه‌جای دنیا، استادان دانشگاه از اینکه یک تصمیم‌گیرنده، ابداً علم را در اجرا در نظر نمی‌گیرد می‌نالند. همه‌جا دنیا، همیشه قشر دانشگاهی در بعضی چیزها جلوتر است. البته در بعضی چیزها هم خیلی فکر می‌کنند، چون فضای واقعی را نمی‌فهمند، اما آن چیزی که آنها می‌خواهند می‌دانند این است که یک استاد دانشگاه در یک جایگاه اجرائی بنشیند.

روند واکنش‌ها به قبول مسئولیت شما چطور بود؟

بعد از اینکه حکم من صادر شد، هنوز سه، چهار روز مانده بود که وارد ایران شوم. در آن سه، چهار روز، تحولات برای من خیلی جالب بود؛ روز اول، پیغام‌های تبریک و ابراز شادی، روز دوم، تیترو روزنامه‌ها. از بعدازظهر روز دوم، ناراحتی‌ها شروع شد؛ آب‌های بایس که این کار نخبه‌کشی است، بعد هم یکسری تئوری توطئه مطرح شد. من در این سه، چهار روز نه حرفی زدم، نه نامه‌ای امضا کردم. حتی چیزی را ندیدم. ولی می‌خواهم بگویم چقدر سریع واکنش نشان می‌دهیم. چقدر جرئت قضاوت غیرمستند ما بالاست. من همان آدم بودم، در سه، چهار روز هیچ چیز عوض نشده بود و اینقدر واکنش‌ها عوض شد. بعد، البته وقتی که من از آمریکا به انگلستان رفتم، خیلی‌ها همین واکنش را داشتند؛ یعنی ایرانی‌ها چه دسته‌ای بودند که گفته این دیوانگی است؛ می‌گفتند مگر کسی از آمریکا می‌رود انگلستان. درحالی‌که خارجی‌هایی که به من زنگ می‌زدند همه بابت این پیشرفت تبریک می‌گفتند که تو از یک دانشگاه به دانشگاه بهتری رفتی.

این مسئولیت دولتی درمقایسه با کار دانشگاهی در لندن، به لحاظ مالی چه تغییری در درآمد شما ایجاد کرد؟ یعنی اینکه آمدن‌تان به اینجا، به نفع شما بوده یا به ضرر؟

طبیعتاً درآمد من خیلی کمتر شد. تقریباً در همین دو، سه ماه گذشته، فقط نگاه کنید نرخ یوند چقدر گران‌تر شده است. فکر کنم هر یوند حداقل ۴۰۰،۵۰۰ تومان گران‌تر شده است؛ یعنی اگر هشت‌هزار یا ۱۰هزار یوند درمی‌آوردید، ببینید خودش چند میلیون تومان ضرر است. حقوق من مگر در اینجا چقدر است؟ حقوق رئیس جمهوری هر چقدر است؟ جالب اینکه من در موقعی‌که آدم هنوز حقوق دریافت نکرده‌ام.

جامعه

گفت‌وگوی «شرق» با کاوه مدنی، معاون سازمان حفاظت محیط زیست

از امپریال کالج لندن تا پردیسان تهران



صدرا محقق

استادباری در دانشگاه فلوری‌دای مرکزی، استاد در مرکز سیاست محیط‌زیست امپریال‌کالج لندن و حالا استقرار در ساختمان مرکزی سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران با عنوان معاون بین‌الملل، نوآوری و مشارکت فرهنگی - اجتماعی این سازمان، صحبت از کاوه مدنی است که از ۲۶ شهریور ۹۶ با حکم عیسی کلاتری، معاون محیط‌زیست شد و محل کار و زندگی‌اش را از لندن به تهران آورد. مدنی از معهود افرادی است که در سال‌های اخیر با مدرک و سابقه کاری دانشگاهی قابل‌توجه در کشورهای غربی راهی ایران می‌شود و مسئولیت دولتی نسبتاً مهمی را- معاون معاون رئیس‌جمهوری - به دست می‌گیرد. به همین دلیل نیز حضور او در این مسئولیت دولتی با نقد و نظره‌های متفاوت و زیادی همراه شد. او متولد ۶۰ است و در سال ۱۳۸۸ مدرک دکترای تخصصی خود را در رشته مهندسی عمران و محیط‌زیست از دانشگاه کالیفرنیا، دیویس گرفت و پس از آن دوره پساکترای خود را در رشته اقتصاد و سیاست محیط‌زیست در دانشگاه کالیفرنیا، ریوساید گذراند. پیش از این مسئولیت محیط‌زیستی، نام مدنی با چند جایزه علمی مرتبط با حوزه تحصیل و دانشش در ایران شناخته شد. این اولین گفت‌وگوی بلند او درباره دلایل و فرایند پذیرفتن این مسئولیت و همچنین تبعاتی که این تصمیم ناکتون برایش داشته، است.

● **ولی وقتی آمدید طبیعتاً با خودتان سود و زیان کردید، درست است؟**
بله؛ ولی درهرصورت قبل از اینکه می‌آمدم، حتی یک‌بار هم نپرسیدم که حقوق من چقدر است، چون برایم واقعاً فاکتور تعیین‌کننده‌ای نبود، سود و زیان نرم و سخت دارم. همه آن در فضای نرم و احساساتی است و به امید وابسته است. انتظارات است. گفتم همه ما همیشه می‌گوییم که وضعیت بد است، حتی آنها که در سیستم هستند هم می‌گویند نمی‌شود کار کرد. خیلی‌هاشان به من می‌گویند که اشتباه کردی، مگر بی‌کار بودی که آمدی. فرض کنیم به‌رذیلی آدمی در یک سیستم، کاری می‌کند که سابقه ندارد. شاید سنت جدیدی را رقم می‌زند که این اتفاق بیفتد. این جنبه خوب و دشنام‌ان است ولی با همه این اوصاف، من به خودم می‌گویم اگر آمدیم و موفق نشدیم، چه می‌شود؟ سیستم همان شکلی که بوده، خواهد ماند. هزینه‌اش برای من این است که به‌عنوان یک استاد دانشگاه، دانشمند علوم زمین، صاحب جایزه و افتخار، ... در اجتماع و شاید بین بعضی از مسئولان محبوبیتی داشتم. حالا محبوبیتی را از دست می‌دهم. اصلاً از روزی که دولتی شدم، می‌دانستم، این افت ایجاد می‌شود، چون من یک آدم دولتی می‌شوم. این لحاظ بین‌المللی هم برایم هزینه دارد. به‌هرحال من یک ایرانی هستم. پاسپورت ایرانی دارم. ولی آدمی مستقل و شخصیتی علمی بودم. برای همین در یک کشور عربی حوزه خلیج‌فارس که ممکن است امروز نتوانم بروم، آن موقع به‌عنوان سخنران از من دعوت می‌کردند، می‌رفتم، یک وزیر جلوی من می‌نشست و من سخنرانی می‌کردم. نقد می‌کردم و حرف می‌زدم. یا خبرنگاری مثل شما ما من مصاحبه می‌کردند و من نقد می‌کردم. اینجا هم هر جا نقد کنید، محبوب هستید. الان خود من هم در دولت به دولت فحش بدهم، محبوب می‌شوم. پس می‌دانم که محبوبیتم را در ایران از دست می‌دهم. مقداری هم هزینه بین‌المللی برای من دارد. البته باز هم اعتقاد دارم که هزینه بین‌المللی آن کمتر است تا هزینه داخلی آن؛ اینکه آنها می‌فهمند یک نفر رفته و برای کشورش کار کرده و قابل قبول است.

● **اصلی‌ترین دلایل‌تان برای برگشت مشخصا چه بود؟**

اگر بخواهم برای خودم ردیف کنم، چهار دلیل می‌آورم. اول اینکه ما می‌گوییم متخصص را در دولت در ایران راه نمی‌دهند. حلالا یک نفر پیدا شده که به یک متخصص بفرما زده. اگر یک درصد شانس موفقیت وجود داشته باشد، شاید در باز شد برای خیلی‌های دیگر. پس دلیل یک، فرصت به متخصصان. دلیل دوم، ما ناراحت هستیم که می‌گوییم نسل ما را به دولت تر ندادند. به ما می‌گویند جوان. درحالی‌که ممکن است خیلی جوان نباشیم؛ چراکه رئیس‌جمهور فرانسه، یک فرد ۳۹ساله است. در اتریش و در نیوزیلند و کانادا هم همین‌طور است. در همین ایران نسل اول انقلاب در بیست‌وخرده‌ای سالگی یا اوایل ۳۰سالگی، تحصیل‌کرده‌های خارج از کشور می‌آیند و کار می‌کنند. پس این یک فرصت برای نسل ماست. پس اگر یک درصد شانس موفقیت وجود داشته باشد، یک نسلی ممکن است بتواند فرصت حضور پیدا کند. یک نفر به من بفرما زده، باید از این به‌عنوان نماینده نسلم استفاده کنم. دو دلیل دیگر، یکی اینکه اگر آمدی و موفق شدی و توانستی در اینجا کاری کنی، شاید آنهایی که اینجا نشنستند، بفهمند هرکس از ایران رفته، خارجی نیست. طرفدار گذشته و جاسوس استیکار نیست. این دیدگاه که هرکس از ایران رفت، غیرقابل‌اعتماد است، شاید برافتد که اتفاقاً می‌توانیم از سرمایه ایرانیان خارج از کشورمان در دولت استفاده کنیم؛ چون الان دلیلی که پخش خصوصی در خیلی از موارد موفق است، این است که از این سرمایه استفاده می‌کند؛ اما دولت استفاده نکرده. با همین باور. هنوز هم حتی ندانم می‌بینم در فضای مجازی که چرا کارشناس از خارج آوردید. درحالی‌که من یک کارشناس خارجی نیستم. یک ایرانی هستم که زبان خودم را صحبت می‌کنم. یک علم را اکتساب کردم...

● **اساساً فرض کنیم کارشناس خارجی بیاورند. آیا این به نظر شما بد است؟ از دیدگاه تخصصی می‌پرسم.**

مسئلاً نمیدانم. برای اینکه مهم این است که در چه جایگاهی و کجا از آن استفاده کنید. تعامل با خارجی و یادگرفتن از خارجی ایرادی ندارد. به او یاد دهید که مشکل ما چیست. این همه ایده غلطی است که نه، خارجی‌ها ما را درک نمی‌کنند، مسائل ما را نمی‌فهمند. من در این سال‌ها به هر کشوری می‌روم که بزانش را نمی‌فهمم، مترجم بین من و مثلاً یک کشاورز صحبت‌ها را منتقل می‌کند. او به من نمی‌گوید خارجی تو مشکل من را نمی‌فهمی؛ ولی در مملکت خودم، با زبان فارسی صحبت می‌کنم، صدردص حرف‌هایم را افراد می‌فهمند، به من می‌گویند خارجی و تو درک نمی‌کنی و حالا دلیل چهارم که از همه مهم‌تر است، این است که همه بچه‌های ایرانی که به من گفتند نرو، همه آنهایی که از دور نگاه می‌کردند، مدرک می‌گیرند، دکترا می‌گیرند و دنبال کار هستند، نمی‌دانند جای خوبی هست یا نه، همه آنها ایستاده که ببینند که آیا این باور درست است که ما نمی‌توانیم به ایران برویم و کار کنیم یا نه. اگر کاوه مدنی مقداری موفق شود، امید برای آنهایی ایجاد دهنده که می‌توانم برگردم.

می‌شود که تمایل برای برگشت آنها ایجاد می‌شود. واقعیت این است که از میان این چهار دلیل، این از همه برای من مهم‌تر است. اگر یک درصد همه این شانس‌ها وجود داشته باشد، می‌ارزد که این کارها را بکنم.

● **خیلی‌ها با آمدن شما به محیط زیست امیدوار شدند، به نظر‌تان چه تأثیری می‌توانید روی وضعیت کلی بگذارید؟**

خود شما خبر مسئولیت من را توییت کردی، برو پاسخ‌ها را ببین. نوشتند دریاچه ارومیه قرار است حالش خوب شود. مشکل زیرگذرها حل شود. آلودگی هوا مشککش حل شود. درحالی‌که من معاون آموزش، پژوهش و بین‌الملل سازمان محیط زیست هستم و در خیلی از این حوزه‌ها اصلاً نقشی ندارم و نمی‌توانم کاری کنم. به‌تازگی بحث انتقال آب ونگ بود، ببینید در اینستاکرام چند گروه گفتند که این پیچ اوست، حمله کنیم و فحش بدهیم. آن روز من آلمان بودم. در اجلاس تغییر اقلیم بودم. برای همکارانم در ایران نوشتیم که چه شده که من دارم فحش می‌خورم؟ این را می‌خواهم بگویم که این داستان‌ها را داریم، یعنی افکار عمومی داریم که خیلی زود خوشحال می‌شود، خیلی زود ناراحت می‌شود و فحش می‌دهد. امیدوارم که این حرفم توهین نباشد؛ ولی خیلی به این اعتقاد پیدا کردم که ما ایرانیان خیلی سریع یک نفر را بزرگ می‌کنیم، بعد جفت پا توی صورتش می‌ریسیم و او را له می‌کنیم. زمان بین این قافاها هم زمان زیادی نیست. ما این کار را زیاد کردیم. با رئیس‌جمهورمان کردیم، با دولت، وزیرمان، هنرمندان و با فوتبالیست‌مان کردیم. این چیز خیلی خطرناکی است.

● **فرض کنید در پایان چهار سال، از دیدگاه خودتان در چه صورتی خودتان را موفق می‌دانید؟**

یک یا دو فاکتور خیلی برای من مهم است که جنشش شاید حتی جنس محیط‌زیستی نباشد. مقداری فراتر از محیط زیست است. دو فاکتوری که خیلی برای من مهم است، یکی امید و دیگری مستند صحبت‌کردن و بحث‌کردن است. من احساس می‌کنم اگر بخواهم اثری در جامعه بگذارم، این است که امید ایجاد کنم؛ امید برای بهبود. به نظر من، ما ملتی هستیم که در بین ما کسانی باور کرده‌اند سرشونت ما تعیین شده است یا قرار است از سوی کسان دیگری تعیین شود که با دشمن ما هستند یا دولت و ما نقشی در آن نداریم. من به‌شدت با این مخالف هستم و اعتقاد دارم اگر امید از جامعه رخت بپندد، محیط زیست یکی از اولین قربانیان است. برای اینکه جامعه بتواند برای محیط زیست کار کند، باید باور کند که می‌تواند کاری کند. وقتی ۸۰ میلیون محیط‌بان صحبت می‌کنیم، یعنی اول بدبیریم که دولت، هیچ موقع نمی‌تواند به‌تنهایی مشکل محیط زیست را حل کند. اصلاً مشکل محیط زیست دولتی نیست. دوم اینکه مشارکت همه در این قضیه واجب است. هر کسی هر جا نشست می‌تواند کاری کند. دوم اینکه حرف‌ها و صحبت‌ها مستند باشد، این چیزی بود که قبلمش هم دنبالش بودم. همان موقع که از خرافات آب صحبت کردم؛ مصاحبه کردم و فحش خوردم، ما باید به جامعه، ژورنالیست، سمن و به مسئول یاد بدهیم که باید مستند صحبت کند.

● **یعنی به نظر شما الان این‌طور نیست؟**

صدردص این وجود ندارد. یعنی ما مردمی هستیم که متأسفانه مرجع دانشمان از ویکی‌پدیا به تلگرام افت کرد.

● **رئیس الان خودتان، آقای کلاتری، دو، سه سال پیش در اظهارنظری گفته بود اگر مسئله و بحران آب همین‌طور ادامه پیدا کند، ۵۰ میلیون ایرانی باید جابه‌جا شوند. من به‌عنوان یک خبرنگار این را نمونه‌ای از یک صحبت غیرمستند و هیجانی و مخرب می‌دانم. آقای کلاتری در سابقه خود از این تجربه‌ها زیاد دارد. نظر شما دراین‌باره چیست؟**

خیلی مدتی که این سؤال را کرده‌ام. در چند روز گذشته چیزی مطرح شده که کاوه مدنی، که آن طرف میز آن حرف‌ها را می‌زند، الان به این طرف می‌رفته است. من یک سخنرانی خرافات آب دارم که اتفاقاً در یکی از اسلایدهایم درباره همین عبارت حرف زدم. البته نحوه بیان افراد متفاوت است. من به‌عنوان یک آدم علمی، هیچ موقع جرئت ندارم که چنین حرفی بزنم؛ اینکه عدد بدهم. ولی همان‌جا هم این گفته که اولاً افراد، نحوه بیانشان متفاوت است. دوم اینکه این یک ایراد فرهنگی است. ما برای اینکه بتوانیم جلب توجه کنیم، برای بیان یک مشکل جدی خیلی وقت‌ها از اغراق استفاده می‌کنیم. حتی استادان دانشگاه هم چنین عبارت‌هایی به‌کار می‌برند.

● **آقای کلاتری چقدر از شما نظر می‌خواهد و شما چقدر روی او تأثیر دارید؟ مثلاً می‌خواهد اظهارنظری کند یا تصمیمی بگیرد، آیا از شما مشخصا مشورت می‌گیرد؟**

جایگاه من معاون آموزش و پژوهش و بین‌الملل است. در این حوزه هر چه هست، نظر بنده را می‌خواهد و تا حالا حداقل چیزی نبوده که به من دیکته شود و من با آن مخالف باشم؛ تا حالا این اتفاق نیفتاده ام!ا علاوه بر این، در بعضی مسائل حوزه آب هم با وجودی که من معاونت آموزش و پژوهش هستم، از من نظر می‌خواهد. من ممکن است خیلی از جلسات وزارت نیرو را بروم؛ البته نه همه موارد. چون بعضی موارد اصلاً به حوزه من مربوط نمی‌شود. خیلی از اینها با اینکه در حوزه دیگری است، من فحشش را می‌خورم. ولی این را می‌خواهم بگویم؛ چیزی که من را خوشحال می‌کند، چون از این می‌پرسند که محدود نشدی؟ حتی خبرنگار به من گفته جامعه می‌گوید این را آوردند، «دانش را بستند، حالا چیزی نمی‌تواند بگوید؛ من می‌گویم آن اشتباه محاسباتی شماست». چون اگر از من انتظار دارید کاوه مدنی استاد دانشگاه باشم که در مقابل دولت نیست و عملکرد دولت را نقد می‌کند، من در آن جایگاه نیستم. من الان در جایگاه متفاوت هستم. همان‌طور که الان می‌توانم هر بزنم که اینجا چرا ترافیک است. چون من انتخاب کردم که به تهران بیایم. باین‌حال من در قدیم باید راجعه‌به آب زرف ۱۰ مصاحبه می‌کردم، به این امید که کسی بشنود و گوش کند و توجهش جلب شود اما امروز جایی نیستم، در جلسه شورای معاونان، منم استاد می‌موضوع آب زرف مطرح شود با آقای کلاتری به من ارجاع بزند و بگوید نظرت را بده و من راجعه‌به آن نظر تخصصی می‌دهم؛ آن نظر لحاظ می‌شود.

● **الان ارتباط شما با دانشگاه چه شده؟**

● **ایستنا؛ معضل دست‌فروشان و تردد آنها در قطارهای شلوغ مترو و قرق سکو‌ها کم نبود که این‌روزها ایجاد غرفه‌های مختلف به‌ویژه فروش انواع دمنوش، باقلوا، کیف و کفش و...، ایستگاه مترو را بیشتر شبیه مراکز خرید و تردد را سخت کرده است؛ فروش توبخت با انتقاد از وضعیت ایجادشده ناشی از استقرار غرفه‌های خرید در برخی ایستگاه‌های مترو، گفت: مدیریت قبلی در شرکت بهره‌برداری مترو، فضاهای خالی موجود در ایستگاه‌ها را در راستای درآمدزایی به پیمانکاران بخش خصوصی واگذار کرده بودند. او با بیان اینکه پیمانکاران نیز با استقرار میزهای مختلف، نسبت به اجاره آنها به غیر اقدام کرده بودند، گفت: استقرار این میزها و تجمع مسافران علاوه بر اینکه ناراضیاتی مسافران را به همراه داشت، باعث اختلال در برخی از ایستگاه‌های مترو شده بود که بر همین اساس نسبت به جمع‌آوری این میزها در ایستگاه‌های مترو اقدام کردیم. مدیرعامل شرکت بهره‌برداری مترو با بیان اینکه باید مطالعات دقیقی درباره درآمدزایی در محدوده‌های ایستگاه‌های مترو انجام شود تا علاوه بر ایجاد درآمد پایدار، رضایت مسافران را نیز به همراه داشته باشد، گفت: تنها در زیرگذر چهارراه ولیعصر همچنان غرفه‌های فروش دایر است؛ ضمن اینکه توجه داشته باشید که مدیریت زیرگذر چهارراه ولیعصر در اختیار شرکت بهره‌برداری مترو نیست. نوبخت فعالیت مجدد غرفه‌های خرید در ایستگاه‌های مترو را منوط به نتایج مطالعات تخصصی بیان کرد.**

● **ایستنا؛ معضل دست‌فروشان و تردد آنها در قطارهای شلوغ مترو و قرق سکو‌ها کم نبود که این‌روزها ایجاد غرفه‌های مختلف به‌ویژه فروش انواع دمنوش، باقلوا، کیف و کفش و...، ایستگاه مترو را بیشتر شبیه مراکز خرید و تردد را سخت کرده است؛ فروش توبخت با انتقاد از وضعیت ایجادشده ناشی از استقرار غرفه‌های خرید در برخی ایستگاه‌های مترو، گفت: مدیریت قبلی در شرکت بهره‌برداری مترو، فضاهای خالی موجود در ایستگاه‌ها را در راستای درآمدزایی به پیمانکاران بخش خصوصی واگذار کرده بودند. او با بیان اینکه پیمانکاران نیز با استقرار میزهای مختلف، نسبت به اجاره آنها به غیر اقدام کرده بودند، گفت: استقرار این میزها و تجمع مسافران علاوه بر اینکه ناراضیاتی مسافران را به همراه داشت، باعث اختلال در برخی از ایستگاه‌های مترو شده بود که بر همین اساس نسبت به جمع‌آوری این میزها در ایستگاه‌های مترو اقدام کردیم. مدیرعامل شرکت بهره‌برداری مترو با بیان اینکه باید مطالعات دقیقی درباره درآمدزایی در محدوده‌های ایستگاه‌های مترو انجام شود تا علاوه بر ایجاد درآمد پایدار، رضایت مسافران را نیز به همراه داشته باشد، گفت: تنها در زیرگذر چهارراه ولیعصر همچنان غرفه‌های فروش دایر است؛ ضمن اینکه توجه داشته باشید که مدیریت زیرگذر چهارراه ولیعصر در اختیار شرکت بهره‌برداری مترو نیست. نوبخت فعالیت مجدد غرفه‌های خرید در ایستگاه‌های مترو را منوط به نتایج مطالعات تخصصی بیان کرد.**

● **ایستنا؛ معضل دست‌فروشان و تردد آنها در قطارهای شلوغ مترو و قرق سکو‌ها کم نبود که این‌روزها ایجاد غرفه‌های مختلف به‌ویژه فروش انواع دمنوش، باقلوا، کیف و کفش و...، ایستگاه مترو را بیشتر شبیه مراکز خرید و تردد را سخت کرده است؛ فروش توبخت با انتقاد از وضعیت ایجادشده ناشی از استقرار غرفه‌های خرید در برخی ایستگاه‌های مترو، گفت: مدیریت قبلی در شرکت بهره‌برداری مترو، فضاهای خالی موجود در ایستگاه‌ها را در راستای درآمدزایی به پیمانکاران بخش خصوصی واگذار کرده بودند. او با بیان اینکه پیمانکاران نیز با استقرار میزهای مختلف، نسبت به اجاره آنها به غیر اقدام کرده بودند، گفت: استقرار این میزها و تجمع مسافران علاوه بر اینکه ناراضیاتی مسافران را به همراه داشت، باعث اختلال در برخی از ایستگاه‌های مترو شده بود که بر همین اساس نسبت به جمع‌آوری این میزها در ایستگاه‌های مترو اقدام کردیم. مدیرعامل شرکت بهره‌برداری مترو با بیان اینکه باید مطالعات دقیقی درباره درآمدزایی در محدوده‌های ایستگاه‌های مترو انجام شود تا علاوه بر ایجاد درآمد پایدار، رضایت مسافران را نیز به همراه داشته باشد، گفت: تنها در زیرگذر چهارراه ولیعصر همچنان غرفه‌های فروش دایر است؛ ضمن اینکه توجه داشته باشید که مدیریت زیرگذر چهارراه ولیعصر در اختیار شرکت بهره‌برداری مترو نیست. نوبخت فعالیت مجدد غرفه‌های خرید در ایستگاه‌های مترو را منوط به نتایج مطالعات تخصصی بیان کرد.**

● **ایستنا؛ معضل دست‌فروشان و تردد آنها در قطارهای شلوغ مترو و قرق سکو‌ها کم نبود که این‌روزها ایجاد غرفه‌های مختلف به‌ویژه فروش انواع دمنوش، باقلوا، کیف و کفش و...، ایستگاه مترو را بیشتر شبیه مراکز خرید و تردد را سخت کرده است؛ فروش توبخت با انتقاد از وضعیت ایجادشده ناشی از استقرار غرفه‌های خرید در برخی ایستگاه‌های مترو، گفت: مدیریت قبلی در شرکت بهره‌برداری مترو، فضاهای خالی موجود در ایستگاه‌ها را در راستای درآمدزایی به پیمانکاران بخش خصوصی واگذار کرده بودند. او با بیان اینکه پیمانکاران نیز با استقرار میزهای مختلف، نسبت به اجاره آنها به غیر اقدام کرده بودند، گفت: استقرار این میزها و تجمع مسافران علاوه بر اینکه ناراضیاتی مسافران را به همراه داشت، باعث اختلال در برخی از ایستگاه‌های مترو شده بود که بر همین اساس نسبت به جمع‌آوری این میزها در ایستگاه‌های مترو اقدام کردیم. مدیرعامل شرکت بهره‌برداری مترو با بیان اینکه باید مطالعات دقیقی درباره درآمدزایی در محدوده‌های ایستگاه‌های مترو انجام شود تا علاوه بر ایجاد درآمد پایدار، رضایت مسافران را نیز به همراه داشته باشد، گفت: تنها در زیرگذر چهارراه ولیعصر همچنان غرفه‌های فروش دایر است؛ ضمن اینکه توجه داشته باشید که مدیریت زیرگذر چهارراه ولیعصر در اختیار شرکت بهره‌برداری مترو نیست. نوبخت فعالیت مجدد غرفه‌های خرید در ایستگاه‌های مترو را منوط به نتایج مطالعات تخصصی بیان کرد.**

● **ایستنا؛ معضل دست‌فروشان و تردد آنها در قطارهای شلوغ مترو و قرق سکو‌ها کم نبود که این‌روزها ایجاد غرفه‌های مختلف به‌ویژه فروش انواع دمنوش، باقلوا، کیف و کفش و...، ایستگاه مترو را بیشتر شبیه مراکز خرید و تردد را سخت کرده است؛ فروش توبخت با انتقاد از وضعیت ایجادشده ناشی از استقرار غرفه‌های خرید در برخی ایستگاه‌های مترو، گفت: مدیریت قبلی در شرکت بهره‌برداری مترو، فضاهای خالی موجود در ایستگاه‌ها را در راستای درآمدزایی به پیمانکاران بخش خصوصی واگذار کرده بودند. او با بیان اینکه پیمانکاران نیز با استقرار میزهای مختلف، نسبت به اجاره آنها به غیر اقدام کرده بودند، گفت: استقرار این میزها و تجمع مسافران علاوه بر اینکه ناراضیاتی مسافران را به همراه داشت، باعث اختلال در برخی از ایستگاه‌های مترو شده بود که بر همین اساس نسبت به جمع‌آوری این میزها در ایستگاه‌های مترو اقدام کردیم. مدیرعامل شرکت بهره‌برداری مترو با بیان اینکه باید مطالعات دقیقی درباره درآمدزایی در محدوده‌های ایستگاه‌های مترو انجام شود تا علاوه بر ایجاد درآمد پایدار، رضایت مسافران را نیز به همراه داشته باشد، گفت: تنها در زیرگذر چهارراه ولیعصر همچنان غرفه‌های فروش دایر است؛ ضمن اینکه توجه داشته باشید که مدیریت زیرگذر چهارراه ولیعصر در اختیار شرکت بهره‌برداری مترو نیست. نوبخت فعالیت مجدد غرفه‌های خرید در ایستگاه‌های مترو را منوط به نتایج مطالعات تخصصی بیان کرد.**

● **ایستنا؛ معضل دست‌فروشان و تردد آنها در قطارهای شلوغ مترو و قرق سکو‌ها کم نبود که این‌روزها ایجاد غرفه‌های مختلف به‌ویژه فروش انواع دمنوش، باقلوا، کیف و کفش و...، ایستگاه مترو را بیشتر شبیه مراکز خرید و تردد را سخت کرده است؛ فروش توبخت با انتقاد از وضعیت ایجادشده ناشی از استقرار غرفه‌های خرید در برخی ایستگاه‌های مترو، گفت: مدیریت قبلی در شرکت بهره‌برداری مترو، فضاهای خالی موجود در ایستگاه‌ها را در راستای درآمدزایی به پیمانکاران بخش خصوصی واگذار کرده بودند. او با بیان اینکه پیمانکاران نیز با استقرار میزهای مختلف، نسبت به اجاره آنها به غیر اقدام کرده بودند، گفت: استقرار این میزها و تجمع مسافران علاوه بر اینکه ناراضیاتی مسافران را به همراه داشت، باعث اختلال در برخی از ایستگاه‌های مترو شده بود که بر همین اساس نسبت به جمع‌آوری این میزها در ایستگاه‌های مترو اقدام کردیم. مدیرعامل شرکت بهره‌برداری مترو با بیان اینکه باید مطالعات دقیقی درباره درآمدزایی در محدوده‌های ایستگاه‌های مترو انجام شود تا علاوه بر ایجاد درآمد پایدار، رضایت مسافران را نیز به همراه داشته باشد، گفت: تنها در زیرگذر چهارراه ولیعصر همچنان غرفه‌های فروش دایر است؛ ضمن اینکه توجه داشته باشید که مدیریت زیرگذر چهارراه ولیعصر در اختیار شرکت بهره‌برداری مترو نیست. نوبخت فعالیت مجدد غرفه‌های خرید در ایستگاه‌های مترو را منوط به نتایج مطالعات تخصصی بیان کرد.**

● **ایستنا؛ معضل دست‌فروشان و تردد آنها در قطارهای شلوغ مترو و قرق سکو‌ها کم نبود که این‌روزها ایجاد غرفه‌های مختلف به‌ویژه فروش انواع دمنوش، باقلوا، کیف و کفش و...، ایستگاه مترو را بیشتر شبیه مراکز خرید و تردد را سخت کرده است؛ فروش توبخت با انتقاد از وضعیت ایجادشده ناشی از استقرار غرفه‌های خرید در برخی ایستگاه‌های مترو، گفت: مدیریت قبلی در شرکت بهره‌برداری مترو، فضاهای خالی موجود در ایستگاه‌ها را در راستای درآمدزایی به پیمانکاران بخش خصوصی واگذار کرده بودند. او با بیان اینکه پیمانکاران نیز با استقرار میزهای مختلف، نسبت به اجاره آنها به غیر اقدام کرده بودند، گفت: استقرار این میزها و تجمع مسافران علاوه بر اینکه ناراضیاتی مسافران را به همراه داشت، باعث اختلال در برخی از ایستگاه‌های مترو شده بود که بر همین اساس نسبت به جمع‌آوری این میزها در ایستگاه‌های مترو اقدام کردیم. مدیرعامل شرکت بهره‌برداری مترو با بیان اینکه باید مطالعات دقیقی درباره درآمدزایی در محدوده‌های ایستگاه‌های مترو انجام شود تا علاوه بر ایجاد درآمد پایدار، رضایت مسافران را نیز به همراه داشته باشد، گفت: تنها در زیرگذر چهارراه ولیعصر همچنان غرفه‌های فروش دایر است؛ ضمن اینکه توجه داشته باشید که مدیریت زیرگذر چهارراه ولیعصر در اختیار شرکت بهره‌برداری مترو نیست. نوبخت فعالیت مجدد غرفه‌های خرید در ایستگاه‌های مترو را منوط به نتایج مطالعات تخصصی بیان کرد.**

● **ایستنا؛ معضل دست‌فروشان و تردد آنها در قطارهای شلوغ مترو و قرق سکو‌ها کم نبود که این‌روزها ایجاد غرفه‌های مختلف به‌ویژه فروش انواع دمنوش، باقلوا، کیف و کفش و...، ایستگاه مترو را بیشتر شبیه مراکز خرید و تردد را سخت کرده است؛ فروش توبخت با انتقاد از وضعیت ایجادشده ناشی از استقرار غرفه‌های خرید در برخی ایستگاه‌های مترو، گفت: مدیریت قبلی در شرکت بهره‌برداری مترو، فضاهای خالی موجود در ایستگاه‌ها را در راستای درآمدزایی به پیمانکاران بخش خصوصی واگذار کرده بودند. او با بیان اینکه پیمانکاران نیز با استقرار میزهای مختلف، نسبت به اجاره آنها به غیر اقدام کرده بودند، گفت: استقرار این میزها و تجمع مسافران علاوه بر اینکه ناراضیاتی مسافران را به همراه داشت، باعث اختلال در برخی از ایستگاه‌های مترو شده بود که بر همین اساس نسبت به جمع‌آوری این میزها در ایستگاه‌های مترو اقدام کردیم. مدیرعامل شرکت بهره‌برداری مترو با بیان اینکه باید مطالعات دقیقی درباره درآمدزایی در محدوده‌های ایستگاه‌های مترو انجام شود تا علاوه بر ایجاد درآمد پایدار، رضایت مسافران را نیز به همراه داشته باشد، گفت: تنها در زیرگذر چهارراه ولیعصر همچنان غرفه‌های فروش دایر است؛ ضمن اینکه توجه داشته باشید که مدیریت زیرگذر چهارراه ولیعصر در اختیار شرکت بهره‌برداری مترو نیست. نوبخت فعالیت مجدد غرفه‌های خرید در ایستگاه‌های مترو را منوط به نتایج مطالعات تخصصی بیان کرد.**

● **ایستنا؛ معضل دست‌فروشان و تردد آنها در قطارهای شلوغ مترو و قرق سکو‌ها کم نبود که این‌روزها ایجاد غرفه‌های مختلف به‌ویژه فروش انواع دمنوش، باقلوا، کیف و کفش و...، ایستگاه مترو را بیشتر شبیه مراکز خرید و تردد را سخت کرده است؛ فروش توبخت با انتقاد از وضعیت ایجادشده ناشی از استقرار غرفه‌های خرید در برخی ایستگاه‌های مترو، گفت: مدیریت قبلی در شرکت بهره‌برداری مترو، فضاهای خالی موجود در ایستگاه‌ها را در راستای درآمدزایی به پیمانکاران بخش خصوصی واگذار کرده بودند. او با بیان اینکه پیمانکاران نیز با استقرار میزهای مختلف، نسبت به اجاره آنها به غیر اقدام کرده بودند، گفت: استقرار این میزها و تجمع مسافران علاوه بر اینکه ناراضیاتی مسافران را به همراه داشت، باعث اختلال در برخی از ایستگاه‌های مترو شده بود که بر همین اساس نسبت به جمع‌آوری این میزها در ایستگاه‌های مترو اقدام کردیم**